



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

علیہ رضی میرزا محمد

عید



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# غدیر

نویسنده:

علیرضا میرزاحمد

ناشر چاپی:

بنیاد بعثت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	غدیر
۶	مشخصات کتاب
۶	روز غدیر
۷	غدیر
۷	اشاره
۸	ولایت چیست؟
۱۲	زیربنای ولایت
۱۷	ضرورت ولایت
۱۸	هدف ولایت
۱۹	گام های رسول
۱۹	اشاره
۱۹	نص
۱۹	زمینه سازی
۲۰	نوشته و کتاب
۲۰	نشانه ها و علامت ها
۲۱	پاورقی
۲۴	درباره مرکز

## مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: غدیر/ نوشته علیرضا میرزامحمد؛ نقاش ولی الهی

مشخصات نشر: تهران: بنیاد بعثت، واحد کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۶.

مشخصات ظاهری: ۲۴ ص. مصور (رنگی)

شابک: بها: ۲۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۷۵؛ بها: ۱۵۰۰ ریال: ۹۶۴-۳۰۹-۰۵۶-۶-۶ ISBN

موضوع: امامت

موضوع: غدیر خم

موضوع: داستانهای مذهبی

شناسه افزوده: میرزامحمد، علیرضا

شناسه افزوده: الهی، ولی، تصویرگر

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵

شماره کتابشناسی ملی: م ۶۷-۱۰۰۴

## روز غدیر

روز غدیر، روز نور، روز سرور، روز سرشاری و اکمال، روز باروری و اتمام، روز رهبری و ولایت است. [۱].

و غدیر، خود برکه نور و عشق است و دریای شور و جوشش، آن هم در کویر کور و ریگزار مرگ.

و غدیری، تشنه مشتاقی است که سال ها در کویر گردیده و ریگزارها را به صدا در آورده و مرگ را در کوله بار خود بسته تا به زندگی برسد و به زندگی برساند.

و غدیری، مهاجر تنهایی است که بالاتر از رفاه می خواهد و بیشتر از آزادی و عدالت.

در این روز، و در این غدیر گسترده، این مهاجر تشنه می تواند سیراب شود و این بالاتر و بیشترها را بدست بیاورد. از دست پیامبر صلی الله علیه و آله و با جام ولای علی علیه السلام

## غدیر

## اشاره

داستان غدیر و تاریخ، از عظمت غدیر و ضرورت ولایت و ریشه ای بودن این مسأله خبر می دهد.

رسول در آن هنگام و در زیر آن آفتاب سوزان، آن همه جمعیت را برای چه ننگه می دارد و چه پیامی برای آنها دارد؟

باید این پیام اساسی ترین پیام او باشد و بزرگترین ستون دین او، چون او برای هیچ یک از پایه های دین خود، این گونه دعوت نکرد و این گونه مردم را گرد نیاورد. [۲].

باید این مسأله را تحلیل کرد و توضیح داد که:

۱- ولایت چیست کم

۲- چه زیربناها و پایه هایی دارد؟

۳- و چه ضرورتی؟

۴- هدف این ولایت و رهبری چیست؟

۵- رسول برای این ولایت و رهبری چه گام هایی برداشته؟

باشد در این تحلیل، عمق پیام رسول، که شیعه را بپاداشت و تاریخ او را به خون کشید، لمس شود و

احساس شود تا آنها که در راهند، بیشتر بتازند و آنها که سنگ راهند، به خود آیند، مبادا که نردبان دزد باشند و صندوق نسوز استعمار، که مؤمن کودن، صندوق نسوز کافر زرننگ است.

## ولایت چیست؟

این ولایت، بالاتر از محبت و دوستی و عشق است؛ که عشق علی در دل دشمنان او هم خانه داشت. آنها که شکوه و وقار کوه و زیبایی دشت و عظمت کویر و دریا و جلوه طلوع و غروب، اسیرشان می کند و چشمشان را می گیرد و دلشان را به بند می کشد، چگونه می شود شکوه و عظمت آن روح بزرگتر از کوه، زیبایی و گستردگی آن قلب وسیع تر از هستی و عظمت و ناپیدایی آن سینه ناپیدا از کویر و عمیق تر از دریا و جلوه آن طلوع بی غروب، چشم و دل و عشق و احساسشان را پر نکند.

هر کس به هر مشربی و عقیده ای، می تواند دوستدار علی باشد.

در علی، علم و عشق،

تدبیر و شمشیر،

حریت و عبودیت، نجوای دل و آتش سخن،

زمزمه شب و فریاد روز،

قدرت و عزت و تواضع و ذلت، [۷].

نرمش و آشنایی و خشونت و پایداری، در علی این همه هست و این همه بخاطر حق است و برای اوست و این است که همه او دوست داشتند است و حتی دشمنش در دل شیفته اوست و مخالفش در پنهان شیدای او.

ولایت علی، نه علی را دوست داشتن که فقط علی را دوست داشتن است. [۸].

ولایت علی، علی را سرپرست گرفتن و از هواها و حرف ها و جلوه ها بریدن است. و این ولایت، ادامه ولایت حق است و دنباله توحید، [۷] آن هم توحیدی در سه



بعد؛ در درون و در هستی و در جامعه؛ که توحید در درون انسان، هواها و حرف ها و جلوه ها را می شکند؛ هواهای دل و حرف های خلق و جلوه های دنیا را.

و در جامعه طاغوت ها را کنار می ریزد

و رد هستی خدایان و بت ها را.

در این حد، موحد، جز خدا کسی را حاکم نمی گیرد. جز وظیفه چیزی او را حرکت نمی دهد. هیچ قدرت و ثروت و جلوه ای در روح او موجی نمی آورد و هیچ دستوری او را از جا نمی کند. جز دستور حق و امرالله، از هر زبانی که این دستور برخیزد و از هر راهی که این امر برسد.

و هنگامی که روحی به آزادی رسید و جز امر حق امری نداشت و جز خواست او خواهشی نداشت، این روح به ولایت می رسد و به سرپرستی می رسد و دستور او و حتی نگاه او در دل های موحد عاشق، حرکت می آفریند.

و این است که رسول به ولایت رسید و به اولویت رسید؛ که النبی اولی بالمؤمنین من انفسم. [۸].

و این است که علی به ولایت می رسد؛ که: من کنت مولا فهذا علی مولا. [۷]. این هم پس از آن جمله استفهامی و اقراری الست اولی بکم من انفسکم؟ و این است که پیشوایان دیگر به ولایت می رسند؛ که به عصمت و آزادی و آگاهی رسیده بودند. اذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا. [۸] و این معانی ولایت است.

ولایت یعنی تنها علی را حاکم گرفتن و تنها او را دوست داشتن و این و ولایت و سرپرستی است که معاویه و احمد حنبل و جرج جرداق و و از آن بهره ای ندارند، که حاکم در

درون آنها و محرک در وجود آنها امر علی و دستور علی نیست؛ که هواها و حرف ها و جلوه ها در آنها حکومت دارند.

معاویه گرچه علی را دوست دارد، ولی سلطنت را بیشتر از علی خواهان است و دوستدار آن است.

و احمد حنبل گرچه برای علی شعر می سراید اما حکومت دیگری را به عهده دارد.

و جرج جرداق گرچه از چه از علی می نویسد، اما برای علی نمی نویسد؛ که محرکی دیگر دارد و عاطفه ای فقط او را به چرخ انداخته است.

اما مالک؟

این مالک است که ولایت علی را به عهده دارد و این بار گران را به آسانی می کشد.

مالک چند سال برای نابودی معاویه رنج کشیده و کوشش کرده است. خویش و فامیل و قبیله اش را به خون کشیده، شب ها و روزها را بر روی لبه تیغ و سر نیزه ها گذرانده و شمشیر زده و شمشیر زده تا این که لشگر شام را عقب رانده و معاویه را به حرکت وادار کرده و در بیرون از خیمه آماده فرار نموده، هان چیزی نمانده تا این بت بزرگ بشکند و این طاغوت سرکش بمیرد و یا فراری شود و مالک به هدف نهایی، به پیروزی محبوب دست بیابد و در میان قومش و در میان تمام مردم به بزرگی معرفی شود و بر رقیب خودش. اشعث و بر قبیله رقیبش، کنده، پیروز شود.

درست در این هنگام، در این هنگام، علی او را می خواند، علی او را می طلبد. علی می گوید که برگرد.

و این از مرگ سخت تر و این از مرگ جانکاه تر است.

مخالفت یک هوی، مخالفت یک هوس، مخالفت با یک حرف و گذشتن از

حرفهای خلق، مخالفت با یک جلوه از جلوه های دنیا ما را می شکند، ما را از پای در می آورد. ما از راه حق با یک حرف با یک فحش با یک پیشیز باز می گردیم و اما مالک؟ و اما مالک؟

او از تمام هواهای چند ساله و تمام حرف های مردها و زن های عرب و از زمزمه خفیف زبان ها بر سر راه مردان فاتح و از نگاه های شیفته سرداران و پیروز و از تمام جلوه های دنیا، از این همه می گذرد و باز می گردد و به علی این سرپرست آگاه ملحق می شود. چرا؟ چون در درون مالک، دیگر هواها و غریزه ها حرف ها و زمزمه های زن های عرب جلوه های پررنگ و برق دنیا حاکم نیست، اینها کوچکتر از این هستند که در روح بزرگ مالک موجی و حرکتی ایجاد کنند.

این بادهای بی رمق بیچاره تر از این است که در این دریای بزرگ، طوفانی بپاکنند: مالک از هواها از حرف ها از جلوه های دنیا بزرگتر است و عظمت او اسیر این حقارت ها نیست. او در سطح غریزه نیست. او انسانی است که در حد وظیفه زندگی می کند و زندگی و مرگ او با این معیار می خوانند، او کوه است از طوفان نمی لرزد. او کاه نیست تا با نسیمی از دهنی زیر و رو شود.

او به ولایت رسیده و از نعمت ولایت برخوردار است. نشستن و ایستادن و آمدن و رفتن و دوست داشتن و دشمن داشتن او همه از سمت ولی کنترل می شود؛ نه از طرف هواها و حرف ها و جلوه ها. مالک این را یافته که علی این مرد آزاد از غیر حق

و این انسان آگاه حق، بیش از مالک به مالک علاقه دارد و بیش از مالک از مصالح و منافع مالک آگاهی دارد و بیشتر از مالک به منافع او می اندیشد و بهتر به منافع او می اندیشد؛ پس دیگر جای درنگ نیست و جای سرکشی نیست؛ که سرکشی ها حماقت های زیان آوری بیش نیستند. جای تسلیم است و اطاعت و پیروی و تشیع و دنباله روی.

## زیربنای ولایت

و زیربنا و سر آن همه فداکاری و جانبازی شیعه در طول تاریخ همین شناخت و همین یافت برهانی و عینی است.

۱- او می داند که ولی بیش از او به او علاقه دارد.

۲- و بیش از او به منافع او آگاهی دارد، لذا امر او هرچه باشد می پذیرد و دستور او را هرچه باشد گردن می نهد و حتی به میان آتش می نشیند و به استقبال مرگ می رود. مگر نه این است که می میریم؟ پس بگذار مرگی را انتخاب کنیم که زندگی هایی را بارور کند و بهره هایی بیاورد. مگر نه این است که ما از کسی چیزی اطاعت می کنیم، پس بگذار اطاعت از آگاه دلسوز و مهربان باشد.

شناخت آگاهی و دلسوزی، اطاعت را، تسلیم را بدنبال می کشید و مالک می دانست که ولی بیش از خود او، را دوست دارد. علاقه من به خودم،

علاقه مالک به خودش، یک علاقه غریزی است و علاقه علی، علاقه ای از روی وظیفه است. مالک خودش را برای خودش می خواهد و علی مالک را برای خدا می خواهد. و تفاوت علاقه ها به همان اندازه است که انگیزه علاقه ها با هم تفاوت دارند.

و آنها می دانستند و مالک می دانست که ولی بیش از او به منافع او

آگاهی دارد. آخر دید ما محدود است، خیلی که ببیند بیش از این گذرگاه هستی؛ این محدوده هفتاد ساله و این فرصت از زمان را نمی بیند؛ از قانون ها از عوامل حاکم بر تمام هستی آگاهی ندارد و چه بسا که آنچه در این محدوده و در این هفتاد ساله مفید باشد در مجموعه حیات ها و زندگانی های ما جز ضرر چیزی نداشته باشد.

ضرر یا نفع یک پدیده را به یک روز و دو روز آن را کشف نمی کنند. چه بسا یک دارو یک غذا یک سیگار که امروز در من شور و حال و خوشی هم بیاورد اما در مجموعه عمر من به ضرر و زیان بینجامد.

انسان پس از گسترش دانش هایش اگر چیزی را بدست بیاورد و چیزی را کشف کند، همانهایی است که تجربه اش کرده و با آن روبرو بوده است و چه بسیار عوالمی که هنوز به آن نرسیده ایم و تجربه اش نکرده ایم و چه بسیار مراحلی که هنوز از آن بی خبریم و غافلیم.

و بخاطر این محدودیت در دید و این وسعت در دیدگاه هستی است که انسان، به سوی خدا می شتابد و از او می پرسد و از او می پذیرد. او که به تمام هستی آگاه است؛ از تمام نفع ها و ضررها و از تمام اثرها؛ اثر یک غذا بر تمام سلول ها، آن هم نه در یک سال و دو سال هفتاد سال و در این محدوده هستی و در این عالم؛ و در این عالم؛ که در تمام طول راه، تا بینهایت. انسان هنگامی که تمام راه را رفت، آنگاه می یابد که اثر یک نگاه، اثر

یک خیال، اثر یک تصمیم، بر تمام هستی و بر تمام عوالم تا چه اندازه بوده است و آنگاه می یابد که چقدر بر اثر بی توجهی و سرکشی ضرر کرده و زیان دیده است و آن روز بانگ بر می دارد و ناله می کند که: یا حسرتا علی ما فرطت فی جنب الله و ان كنت لمن الساحرین. [۹].

اما امروز خیلی هم که دوربین به دست بگیرد و از وسایل علمیش کمک بستاند بیش از این محوطه، بیش این عالم را نمی بیند و نمی یابد و تجربه نمی کند. از این رو از آنچه از عوالم بعد می گذرد و از آنچه یک نگاه و یک لبخند و یک غذا و یک مشروب بدنبال می آورد نه در این محدوده بلکه در آن وسعت و در آن مرحله بیگانه است.

این پیداست که ناچار یا وحی آشنا می شود و از خدا مدد می گیرد. و خدا روح هایی را از پلیدی جدا کرده و به عصمت رسانده و او دل هایی را با نور [۱۰] و با فرقان، [۱۱] همراه نموده و او برای آنها از تمام هستی حکایت کرده و بر طبق قانون هایی گذاشته و دستورهایی داده و به آنها سپرده است. و مالک که این همه راه یافته، سرسپرده روح معصوم آگاه مهربان می شود و ولایت او را به عهده می گیرد. و این ولایت و سرسپردگی است که بر اساس این همه شناخت و برهان و منطق استوار است. و این ولایت است که ادامه توحید است و این ولایت است که همه فداکاری و از خود گذشتگی و تسلیم را به دنبال می آورد. و بر اساس این ولایت

است که مالک طرز خوابیدن و بیدار شدن و خوردن و آشامیدن و رفتن و آمدن و نگاه کردن و نشستن و ایستادن و مسافرت کردن و معاشرت کردن و و تمام رفتار و گفتار و پندار خود را از ولی می پرسد و از او می گیرد. و همان طور که من وقتی می یابم که فلان مکانیک آگاهی و دلسوزی دارد، تمام اجزاء ماشین را تحت اختیار او می گذارد و تمام مسایل را از او می پرسم و از او می گیرم.

آنها که ولایت را قبول کردند، آنهایی هستند ماشین پیچیده وجود آنها را امام و ولی بهتر از خود آنها رهبری می کند و در این را شلوغ هستی که اعمال و افکار انسان غوغایی بپا کرده، او بهتر انسان را به قصد می رساند و نجات می دهد.

و توضیح این ولایت و سرسپردگی در همین آگاهی نهفته است. وجود ما، جان ما، برای خداست و از اوست. هر کس که اینها را بهتر به کار بگیرد، در اینها حق تصرف دارد. و همین است که رسول خدا و پیشوایان اولویت دارند. به تصرف در هستی ما، سزاوارتر از ما هستند. و همین است که پدر بر فرزند و بر اموال فرزند ولایت دارد و حق تصرف دارد.

و در این هنگام و پس از آن همه توضیح می توانم بگویم که چرا ولایت بزرگترین نعمت هاست و بالاترین نعمت هاست و به تعبیر قرآن متمم نعمت هاست؛ [۱۲] چون این مقام ولایت است که تمام نعمت ها را به کار می گیرد و به جریان می اندازد و این مقام ولایت است که تمام استعدادها را شکفته می کند و بارور می نماید، درست مثل

اینکه من یک کارخانه بزرگ وسیع را دارا باشم اما از طرز بهره برداری از آن بی خبر باشم. این کارخانه که می تواند در روز، بی نهایت به من سود برساند، بر اثر نبود آگاهی و جهالت من، یک بار سنگین می شود که به مرور زمان مرا از پای در می آورد و خودش هم می پوسد و هدر می شود. یک مهندس آگاه و مهربان متمم این کارخانه وسیع و عظیم است. بدون او این همه نعمت، این همه استعداد، راکد می ماند و حتی به هدر می رود و ضایع می گردد. ولایت او و سرپرستی اوست که نعمت های نهفته و سودهای پیچیده در کارخانه را آشکار می کند و به جریان می اندازد. و این ولایت متمم آن همه سرمایه و آن همه نعمت است.

و این مقام ولایت است که از دل آن عرب های خون ریز تهیدست، از دل آن مردان محدود گرفتار، روح هایی را بیرون کشید که تمام هستی را در یک گام طی کردند و حتی به بهشت قناعت نورزیدند.

این مقام ولایت است که از ابوذر که برای هیچ زنده بود و برای هیچ می مرد، ابوذری بیرون کشید که برای حق زنده بود و برای او می مرد و حتی تنها می مرد.

و این مقام ولایت است که از بلال، بلالی که تا دیروز افتخارش به اربابش بود، بلالی آفرید که رویاروی اربابش می ایستاد و او را پست و حقیر و محدود می دید و به راهنمایش همت بسته بود و برای مبارزه اش آماده گشته بود.

و این مقام ولایت است که از سلمان، این کویر تشنه و این مسافر پایدار، دریایی ساخت، دریایی از عظمت و آگاهی



و این مقام ولایت است که استعدادهای بشر را بیرون ریخت و خلق کریمه و استعدادهای خوب او را شکوفا کرد [۱۳] و از بشر، انسان بیرون کشید و او را از ظلمات نفس، از ظلمت خلق دنیا، از هواها و حرفها و جلوه های پوچ، به سوی نور هستی هدایت کرد. [۱۴] انسانی که دیگر در سطح غریزه و حرف ها و محدودها زندگی نمی کرد و با این معیارهای کم و کوتاه اندازه نمی گرفت.

و انسان یعنی، همین، یعنی در سطح وظیفه زندگی کردن، چون این حیوان است که تمام مسایلش با غرائزش حل و فصل می شود، حتی امنیت و رفاه و نظم و عدالت را با غریزه تامین می کند.

آن نظم و رفاه و عدالتی که در کتدو حاکم است هنوز در جامعه انسانی در شکل های مختلف کمونیستی و سرمایه داریش، حکومت نکرده و نمی کند، مگر هنگامی که بشر از اسارت ها از ظلمات از هواها و حرف ها و جلوه ها آزاد شود و به عظمتی دست یابد که این حقارت ها را در خود نگیرند. و مگر هنگامی که بشر انسان شود.

و در این حد، عدالت که هیچ، حتی انفاق و ایثار هم، رخ می نماید و آشکار می شود.

و این است که، آنهایی که بیشتر از رفاه و بالاتر از عدالت و آزادی را می خواهند، باید به غدیر رو بیاورند و از این جام سیراب شوند.

## ضرورت ولایت

هر جامعه همانند یک اندام، به مغز، به قلب، به خون- ثار [۱۵] - نیازمند است. مغزی که تمام راه را بیابد و قلبی که از عشق سرشار باشد و خونی که خون خدا باشد و پاک از هر گونه اعتیاد

و خالی از هر گونه مرض و آزاد از هر گونه جرثومه فساد.

و انسان محتاج نمونه و رهبر و حجتی است که امین [۱۶] باشد و به او خیانت نکند و نور [۱۷] باشد و راه او را روشن کند.

انسان به روشنفکری و روشن دلی، به عشق و شناخت، به حجت، به نور، به امین، نیازمند است. و ولایت، عهده دار این نیازهای عمیق و عظیم انسان است، آن هم انسانی که می داند، نیازش بالاتر از رفاه و بالاتر از حریت و آزادی و بیشتر از عدالت است.

هنگامی که انسان خود را بیشتر از یک دهان نمی بیند که با یک مشت روده گره خورده و با آلت تناسلیش ختم می شود. این دهان دراز، دیگر نه دین می خواهد و نه امام و نه رهبری و ولایت؛ که گزینه برای این و بالاتر از اینها کافی است.

اما انسانی که می خواهد انسان باشد و جامعه ای انسانی تشکیل دهد، نه یک دامپروری بزرگ و یک کندوی عادل، این انسان ضرورت این شناخت و عشق و این مغز و قلب و خون و این حجت و نور و امام و امین را می یابد و به سوی او می شتابد و او را بر خویشتن مقدم می دارد؛ که او از او به او آگاه تر و مهربان تر و نزدیک تر است.

## هدف ولایت

این رهبری و سرپرستی بالاتر از امنیت و پاسداری و بالاتر از رفاه و پرستاری، هدف دارد.

این رهبری در زمینه آزادی [۱۸] و با هدف آموزگاری و شکوفا کردن استعدادهای انسان و با هدف تشکیل جامعه انسانی بر اساس قسط همراه است که که علی می گفت: لیس امری و

امرکم واحدا انی اریدکم لله و انتم تریدوننی لانفسکم. [۱۹].

هدف من و شما یکی نیست. من شما را نه برای خودم و نه برای خودتان، که برای حق می خواهم، در حالی که شما مرا به خاطر خویشتن و منافع خود خواستارید. شما می بینید من مثل عثمان نیستم که شما را بچاپم، به این خاطر به من روی آوردید، اما من شما را نه برای خودم می خواهم و نه برای رفاه خودتان، که برای حق می خواهم.

این کافی نیست که انسان های مرفهی بسازیم، بلکه باید برای آنها جهتی و راهی را در نظر بگیریم که آنها پس از رفاه و تکامل استعدادها در آن راه بیفتند و آن جهت را انتخاب کنند.

## کام های رسول

### اشاره

رسول برای این رهبری و این ولایت با آن ضرورت و با این هدف گام های بلندی برداشت و تا امروز راه ما روشن نمود.

### نصی

او از روزهای اول دعوت تا واپسین لحظه های حیات، همیشه علی را نشان می داد و سفارش می کرد که بر او جلو نیفتید که گمراه می شوید و از او کنار نکشید که از دست می روید.

احادیث غدیر و ثقلین و منزلت و و در کتاب ها جمعند.

اما بعدها دیگران به خاطر اینکه کفر صحابه و ارتداد آنها پیش نیاید نصوص را رد کردند و یا تاءویل نمودند و در نتیجه به آنچه در نوشته های خود جمع کرده بودند بی اعتنا ماندند و حتی چشم عقل خویش را بستند. و هدف حکومتی اسلام را نادیده گرفتند و حکومت اسلامی را تا حد استعمار و چپاولگری و فتوحات و غنایم پایین آوردند و عاقبت گرفتار بدعت و اشرافیت و تبعیض و درگیری و تجزیه نمودند.

از هنگامی که اسلام از مسیر ولایت بیرون آمد، از همان غروب کرده بود، گرچه واپسین شعاع های طلایی آن تا هزار و سیصد سال بعد ادامه داشت. اما این شعاع ها دیگر حرارت و زایش و نوری نداشت، سرد و تاریک و غمرنگ بود. از مرگ، از غروب خبر می داد.

### زمینه سازی

رسول که سرسختی دنیاطلب ها و سلطنت خواهان را می دید برای اینکه مدینه برای علی خالی بماند و زمینه برای او فراهم شود، تمامی آنها را تحت سرپرستی جوانی هجده ساله و روانه سرزمین های دور کرد و بر هر کس که تخلف کند نفرین فرستاد، اما آنها که هدف را فهمیده بودند، به بهانه این که چگونه محمد را رها کنیم و چگونه او را در بستر مرگ بگذاریم و خبرش را از کاروان ها بگیریم، از مدینه نرفتند و ماندند و نفرین

رسول را بر خود خریدند و جامعه اسلامی را به بن بست کشاندند و کردند آنچه کردند.

## نوشته و کتاب

در نتیجه، رسول به خاطر این که کار را یک سره کند و ابهامی باقی نگذارد، در آخرین لحظه که همه جمع شده بودند، قلم و کتفی را طلب کرد تا آنها گمراه نشوند، اما آنها به قرآن قناعت کردند و با رسول مخالفت نمودند.

و رسول که پافشاری آنها و مخالفتشان را دید، دیگر جهتی برای نوشتن نداشت. کسانی که رو بروی رسول گفته او را نمی پذیرند، پس از مرگ با این نوشته ها چه خواهند کرد؟

## نشانه ها و علامت ها

رسول که تنهایی خویش و تنهایی علی و تنهایی و بی پناهی مردم بیگانه از خواب و این رهبر زنده، حتی با مرگ، هیچگاه اینها را، این توده تنها را در کنار آوازه گرها و در دست گرگ ها رها نمی کند، اینها هر چند از نوشتن و کتابت او جلوگیری کنند، از نشانه ها و علامت هایش نمی توانند جلوگیری باشند.

و این است که رسول آگاه و بیدار، علی را در تمام دوره ها یاری می دهد و توده بی پناه را با علامت ها به خویش، به علی و به حق، می خواند و از دیگران می ماند.

این علامت ها، انسان های گویا، فاطمه، ابوذر، عمار و همراهی قرآن روشنگر است.

فاطمه، در دوره ابوبکر و عمر،

ابوذر، در زمان عثمان،

عمار، در برابر معاویه،

و همراهی قرآن تا امروز.

رسول بارها گفته بود فاطمه از من است و کسانی که او را به خشم بیاورند مرا و خداوند را به خشم آورده اند. [۲۰].

و فاطمه بر آنها خشمناک بود و حتی گویی او گواه این خشم است.

و رسول گفته بود، آسمان بر راستگوتر از ابوذر سایه نینداخته است.

و این زبان قاطع و صادق رویاروی عثمان بود.

و رسول گفته بود که عمار

را، گروه ستمگر می کشند.

و عمار در کنار علی بود و شمشیرش بر گلوی معاویه. [۲۱].

و رسول گفته بود که جانشینان من دوازده نفرند و گفته بود: من دوی چیز را در میان شما می گذارم که مانع گروهی و چراغ را شما هستند. این دو، از هم جدا نخواهند شد تا این که در حوض بر من وارد شوند.

و امروز جز شیعه با این گفته همراه نیست؛ که دیگران امروزها در کنار این همه تجزیه و همراه این همه حاکم، خلیفه و حاکم و اولی الامری ندارند.

آنها قرآن و خلیفه را از هم جدا کردند، در حالی که رسول به همراهی آنها شهادت داده بود. همانطور که با زبان گویایش از یوم الانذار ... و یا دست بلندش در غدیر ... و با تقاضای قلم، در واپسین لحظه های زندگی و با فاطمه و ابوذر و عمار در دامن تاریخ، این رهبری، این ولایت، این سرپرستی را، گواهی داده بود و راه علی را به نور بسته بود.

درود بر آنها که الله سرپرست و رسول چراغ و علی جلودارشان است.

درود بر آنها که چنین راهی را، با سر رفته اند.

## پاورقی

[۱] اقبال سیدبن طاووس، ص ۴۶۲، خطبه امام امیرالمؤمنین (ع).

[۲] بنی الاسلام علی خمس. علی الصلوه و الزکوه و الحج و الصوم و الولایه و لم یناد بشیء کما نودی بالولایه. وسائل الشیعه، ج ۱، باب اول روایه ۱.

[۳] اذله علی المؤمنین اعزه علی الکافرین، مائده، ۵۴.

[۴] ... لا التخی بک بدلا و لا اتخذ من دونک ولیا- مفاتیح الجنان، زیارت امام زمان (عج).

[۵] کلمه لا اله الا الله حصنی و ولایت علی بن ابیطالب

حصنی، این؛ دو، حصن و پاسدار انسان هستند و جلوگیری از ضایع شدن ها و از دست رفتن ها. ولایت ادامه توحید است و خود توحید.

[۶] احزاب، ۶.

[۷] کافی، ج ۱، ص ۲۹۴، ح ۳.

[۸] اشاره به آیه ۳۳ از سوره احزاب.

[۹] زمر، ۵۶.

[۱۰] يجعل لكم نورا تمشون به، حدید، ۲۸. کافی ج ۱، باب الحججه، ح ۳.

[۱۱] يجعل لكم فرقانا، انفال، ۲۹.

[۱۲] اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت الاسلام دينا. مائده، ۳.

[۱۳] بعثت لا تتم مكارم الاخلاق، بحار، ج ۶۷، ص ۳۷۲.

[۱۴] الله ولى اللذين آمنوا يخرجهم من الظلمات الى النور. بقره، ۲۵۷. الله نور السموات و الارض. نور، ۳۵.

[۱۵] يا ثار الله و ابن ثاره. زيارت عاشورا. قاموس الغه: الثارت الدم و الطلب به.

[۱۶] السلام عليك يا امين الله فى ارضه و حجته على عباده. مفاتيح، زيارت الله.

[۱۷] السلام عليك يا نور الله فى ظلمات الارض. زيارت حضرت رضا عليه السلام.

[۱۸] علی میکرب ها را بر نمی دارد که مزاج ها را واکسینه می کند تا خود با میکروب ها درگیر شوند. و این رهبری سنگین ترین رهبری هاست. علی می گفت: توده ها هنگامی که شب ستم را پشت سر می گذاشتند در صبح آزادی باز از ستم رهبر می هراسیدند، اما من هنگامی که به صبح حکومت رسیدم باز از ستم توده ام وحشت دارم. لقد اصبحت الامم تخاف ظلم و رعاتهم و اصحبت اخاف ظلم رعیتی. نهج البلاغه صبحی صالح، خ ۹۷.

[۱۹] نهج البلاغه صبحی صالح، خ ۱۳۶.

[۲۰] کسانى روايت هايى ساختند که، رسول اين جمله را در هنگامى گفته که على، فاطمه را به خشم آورده بود و فکر ازدواج داشت. دشمن آرام نمى گيرد.

[۲۱] معاويه

با مرگ عمار بدست و پا افتاد و حيله ها زد كه عمار را علي كشته، چون او را به ميدان آورده است. در اينجا بود كه شاعران علي جواب ها دادند كه اگر اين باشد پس قاتل شهيدان جنگ هاي بدر و احد محمد است، نه دشمنان محمد. كشنده حمزه اوست، نه وحشي مهديور.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری



۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

